

فریاد در خوزستان، فریاد علیه بی‌آبی، بی عدالتی، بیکاری و تبعیض ملی و قومی!

سه‌شنبه، 27 ژوئیه 2021 - 21:38



گروه کار ملی -
قومی حزب چپ
ایران (فدائیان خلق)

بیانیه گروه کار ملی
و قومی حزب چپ
ایران (فدائیان خلق)
درباره خیزش
خوزستان

فریاد در خوزستان، فریاد علیه بی‌آبی، بی عدالتی، بیکاری و تبعیض ملی و قومی!

اعتراضات وسیع مردم خوزستان با پشت سر گذاشتن یازدهمین روز و شب خود، همچنان ادامه دارد. آنچه مردم این خطه از کشور را به فغان و فریاد کشانده، ترکیبی از ستم‌گری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حاکم بر ایران است. استبداد دینی، غارت بی حد و حساب، تخریب بی امان طبیعت، فساد بی پایان و فقدان عزم و لیاقت در میان فرمانروایان، همه و همه در تنیدگی با تبعیض و تحقیر ملی و تمرکز گرایی و ... باعث پدید آمدن وضعیتی شده که حاصل آن، روزگار تیره و تار مردم ستم دیده و طبیعت مجروح این بخش از ایران است. این منطقه از کشور- که بزرگترین منبع درآمد و تولید ثروت در صدساله اخیر ایران به شمار می‌رود- اکنون بدل به زیستگاه مردمی استبداد زده، تهیدست و آواره شده است. استانی که مردمان آن علیرغم داشتن سرزمینی پر آب و بیشترین و بزرگترین رودهای کشور، در محل زیست خود محتاج آب آشامیدنی برای رفع تشنگی‌اند.

حدت و شدت انواع ستمگری‌هاست که خوزستان را چنین پرخروش به فریاد و اعتراض کشانده است. این فریادها و اعتراضات علیه ستم‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، زمانی که از سوی عرب‌ها در این استان بیان می‌شوند به سرعت رنگ و صبغه حق طلبی ملی و قومی به خود می‌گیرند، همانگونه که ایستادگی آنان در برابر تحقیر و تبعیض ملی و قومی، سریعاً مطالبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به میان می‌آورد. اکنون دیگر این فریاد رسای اعتراض علیه تبعیض ملی و قومی در خوزستان است که بازتاب وسیعی در سپهر سیاسی ایران یافته و توجه رسانه‌ها و کانون‌های جهانی را برانگیخته است. این فریادها، نه واکنشی علیه ستمی لحظه‌ای و گذرا، بلکه نتیجه ستم‌های دیرپای سالیان و برخاسته و جوشیده از دل مردمی پر درد است.

کشور ما در طول ۴۳ سال حاکمیت استبداد دینی، همانند ۵۵ سال سلطنت پهلوی‌ها - و در هر کدام بگونه‌ای- به "مرکز و حاشیه" تقسیم شده و اداره کشور بر پایه تبعیضات شدید ملی و قومی صورت گرفته است. این تقسیم و این نوع رفتار همچنان ادامه دارد. خوزستان غارت شده و بلوچستان فراموش شده دو نمونه تیپیک رفتار حاکمان در تقسیم کشور به "مرکز و حاشیه" و تبعیض ملی و قومی است. دو نمونه، با مردمانی محروم، که زبان و هویت و فرهنگشان نیز پایمال نظامات استبدادی ضد انسانی گشته است.

بحران بی آبی که اکنون چنین خشم ساکنان خوزستان - اعم از عرب و بختیاری و فارس و ... - را بر انگیخته است، نه حاصل سیاست‌های رژیم در دو سه ماهه اخیر، بلکه نتیجه رفتار رژیم در چند دهه گذشته است. این بحران، از جمله محصول انتقال بی رویه و نسنجیده آب رودخانه‌های این استان برای مصالح ویژه در مناطقی خاص از کشور است که حاکمان آزمند و رانتخوار، سودها از آن می‌برند. این تجاوز و تبعیض از چشم ساکنان عرب خوزستان - که از قربانیان مقدم تبعیض و مرکز گرایی و حرص و آز سران و کارگزاران رژیم‌اند- پنهان نیست و موجب خشم آنان می‌شود.

خوزستان در چشم استبداد مرکز، همواره منطقه‌ای بوده است که باید آن را "دوشید" و در عین حال مردمان بومی‌اش را به فراموشی سپرد و یا مورد انواع تحقیرها و ستم‌ها قرار داد. از همان دوران تبدیل شوونیسیم به بخشی از ایدئولوژی دولتی در ایران، یعنی از دوران پهلوی اول، سیاست عرب‌ستیزی سازمان یافته بخشی از سیاست‌های دولت‌ها بوده است. تبدیل اسامی تاریخی شهرها و ... به نام‌های فارسی و ممنوعیت تحصیل به زبان مادری و غنی عربی برای عرب‌های ایران بخشی از این سیاست‌ها شد. جمهوری اسلامی نیز این سیاست را تداوم بخشید. حاکمان جدید با درآمیختن اسلامگرایی افراطی با ناسیونالیسم مرکزگرا، همان رفتاری را با مردم عرب خوزستان در پیش گرفت که در گذشته بود. نظام دینی‌ای که در عین تقدیس "زبان فران" و تحمیل آن بر آموزش عمومی و رسمی کشور، حق آموزش به زبان مادری را از عرب‌های ایران سلب کرده است. همان کاری که با دیگر غیر فارسی زبان‌های ایران انجام داده است. جای درد و تاسف آنجاست که این سیاست‌ها - چه در گذشته و چه اکنون - از سوی ناسیونالیست‌های افراطی فارسی محور در بیرون از حاکمیت نیز پشتیبانی شده و می‌شوند و تحت تاثیر همین فضای ناسیونالیستی بیمارگونه است که بخشی از مخالفان رژیم، از زاویه‌ای دیگر بر عرب‌ستیزی افزوده و زخمی دیگر بر پیکر زخمی مردم عرب ایران وارد می‌کنند.

با تداوم تبعیض ملی و قومی در کشور اما، مبارزه علیه آن نیز ادامه دارد. همبستگی همه مردمان تحت تبعیض و مرکزگرایی با اعتراضات مردم خوزستان و نیز پشتیبانی سراسری از این اعتراضات همچنان ادامه دارد. پشتیبانی الیگودرز لرستان و سقز کردستان و تبریز آذربایجان و ... از مردم خوزستان، نشانه همبستگی و نماد مبارزه ای دوشادوش علیه جمهوری اسلامی، برای برابر حقوقی و لغو تبعیض و ستم است. این همبستگی بزرگترین منبع عزم و نیرو برای حل مسئله ملی و قومی و رفع تبعیض در کشور است. سیر رویدادها و مبارزات مستمر ستمدیدگان، اکنون ضرورت تأمین برابر حقوقی همه ایرانیان و لزوم ساختار عدم تمرکز را به یکی از موضوعات اساسی مورد توجه تبدیل کرده است. رفع تبعیض ملی و تمرکز گرایی اکنون در دستور کار هر تغییری در ایران قرار دارد.

گروه کار ملی و قومی حزب چپ ایران (فدائیان خلق) پایبند به سنت پایدار صد و ده ساله جنبش چپ ایران، همچنان بر ضرورت مبارزه برای برچیدن بساط هرگونه تبعیض ملی و قومی از کشور پای فشرده و لغو این ستم‌گری‌ها را جزء جدایی ناپذیر امر آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران میدانند. ما هر جریان و نیرویی را - حتی در جایگاه اپوزیسیون - که بخواهد به هر بهانه‌ای بر دوام تبعیض ستم ملی و قومی و تمرکز گرایی اصرار ورزد، شریک رژیم جمهوری اسلامی در اعمال ستم، تشدید و تثبیت تبعیض ملی و قومی می‌شناسیم.

ما در عین مبارزه برای آزادی و عدالت اجتماعی در سرتاسر کشور، از خواسته‌های برحق و دموکراتیک مردم خوزستان دفاع می‌کنیم و همه فعالان دموکرات گروه‌های مختلف اتیک ایران را- که برای رفع تبعیض و تمرکز گرایی، برای ساختن ایرانی دموکراتیک و واحد و فارغ از این ستم‌ها مبارزه می‌کنند- متحد طبیعی خود می‌دانیم. ایران متعلق به همه ایرانیان و از آن همه ساکنان کشور است و نه ملک طلق فقط بخشی از آن. این، شرط دموکراتیسم و عدالت است و ما در جبهه دموکراتیسم و عدالت ایستاده‌ایم.

گروه کار ملی و قومی حزب چپ ایران (فدائیان خلق)

۴ مرداد ۱۴۰۰ برابر با ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۱